

فارسی چهارم دبستان

حمید طالب تبار

افروز کلانتری





صفحه

عنوان

۴۰	درس یازدهم: فرمانده دل‌ها
۴۲	درس دوازدهم: اتفاق ساده
۴۴	بخوان و بیندیش: دوست بچه‌های خوب
۴۵	حکایت: نگاه پنهان
۴۶	درس سیزدهم: لطف حق
۴۸	بخوان و حفظ کن: امید
۵۰	درس چهاردهم: ادب از که آموختی؟
۵۲	درس پانزدهم: شیر و موش
۵۵	بخوان و بیندیش: هفت مروارید سُرخ
۵۷	درس شانزدهم: پرسشگری
۵۹	بخوان و حفظ کن: خرد و دانش
۶۱	درس هفدهم: مدرسه‌ی هوشمند
۶۲	بخوان و بیندیش: کارت اعتباری
۶۴	مثل
۶۵	نیایش
۶۷	بخش دوم (واژه‌آموزی و دانش زبانی)
۶۸	درس اول: واژه‌آموزی
۷۴	درس دوم: دانش زبانی (علامت‌های نگارشی)
۸۰	درس سوم: واژه‌آموزی

صفحه

عنوان

۷	بخش اول (معنی شعرها و نثرها)
۸	ستایش
۱۰	درس اول: آفریدگار زیبایی
۱۲	بخوان و حفظ کن: خبر داغ
۱۴	درس دوم: کوچ پرستوها
۱۵	بخوان و بیندیش: در جست و جو
۱۷	حکایت: قوی‌ترین حیوان جنگل
۱۸	درس سوم: راز نشانه‌ها
۱۹	بخوان و حفظ کن: روباه و زاغ
۲۱	درس چهارم: ارزش علم
۲۳	درس پنجم: رهایی از قفس
۲۵	بخوان و بیندیش: قدم یازدهم
۲۷	مثل
۲۸	درس ششم: آرش کمان گیر
۳۰	بخوان و حفظ کن: باران
۳۳	درس هفتم: مهمان شهر ما
۳۴	بخوان و بیندیش: انتظار
	درس هشتم و درس نهم: درس آزاد است.
۳۶	درس دهم: باغچه‌ی اطفال
۳۸	بخوان و حفظ کن: همای رحمت

صفحه	عنوان	صفحه	عنوان
۱۵۸	درس دوم: کوچ پرستوها، بخوان و بیندیش و حکایت	۸۵	درس چهارم: دانش زبانی (جمله)
۱۶۳	درس سوم: راز نشانه‌ها، بخوان و حفظ کن	۹۱	درس پنجم: واژه‌آموزی
۱۶۶	درس چهارم: ارزش علم	۹۶	درس ششم: دانش زبانی
۱۶۸	درس پنجم: رهایی از قفس، بخوان، بیندیش و مثل	۱۰۱	درس هفتم: واژه‌آموزی
۱۷۳	درس ششم: آرش کمان‌گیر و بخوان و حفظ کن		درس‌های هشتم و نهم: آزاد است.
۱۷۸	درس هفتم: مهمان شهر ما، بخوان و بیندیش و مثل	۱۰۶	درس دهم: دانش زبانی
	درس هشتم و درس نهم: درس آزاد است.	۱۱۳	درس یازدهم: واژه‌آموزی
۱۸۳	درس دهم: باغچه‌ی اطفال و بخوان و حفظ کن	۱۱۸	درس دوازدهم: دانش زبانی
۱۸۶	درس یازدهم: فرمانده دل‌ها	۱۲۳	درس سیزدهم: واژه‌آموزی
۱۸۹	درس دوازدهم: اتفاق ساده	۱۲۸	درس چهاردهم: دانش زبانی
۱۹۴	درس سیزدهم: لطف حق و بخوان و حفظ کن	۱۳۴	درس پانزدهم: واژه‌آموزی
۲۰۰	درس چهاردهم: ادب از که آموختی؟	۱۳۹	درس شانزدهم: دانش زبانی (جمله)
۲۰۴	درس پانزدهم: شیر و موش، بخوان و بیندیش و مثل	۱۴۴	درس هفدهم: واژه‌آموزی
۲۰۹	درس شانزدهم: پرسشگری و بخوان و حفظ کن		بخش سوم (تست‌های درس به درس)
	درس هفدهم: مدرسه‌ی هوشمند، بخوان و بیندیش و نیایش		درس اول: ستایش، آفریدگار زیبایی و بخوان و حفظ کن
۲۱۴		۱۵۰	





به نام خدا

اول از همه، خداوند بزرگ را شکر می‌کنیم که به ما لطف کرد تا بتوانیم کتاب فارسی چهارم را آن‌طوری که می‌خواستیم و دوست داشتیم، بنویسیم.

در کتاب فارسی چهارم از شعرهایی استفاده شد که برای ما جالب بود و همین شعرها انگیزه‌ی ما را برای نوشتن این کتاب، بیش‌تر کرد.

این کتاب به سه بخش تقسیم می‌شود:

۱- بخش اول: معنی تمام لغت‌ها، شعرها و جمله‌های دشوار به ترتیب درس‌ها.

۲- بخش دوم: بررسی تمام مطالب مربوط به واژه‌آموزی و دانش زبانی، به ترتیب درس‌ها و آوردن تمرین و تست‌ها همراه با پاسخ تشریحی.

۳- بخش سوم: طراحی تست‌ها در قالب دستور، لغت، معنی و مفهوم، تاریخ ادبیات، هم‌خانواده و ... همراه با پاسخ، به ترتیب درس‌ها.

از همه‌ی دوستان و همکاران گرانقدر که در تألیف این کتاب به ما یاری رساندند، سپاسگزاریم.

به ویژه:

آقایان: جواد با حشمت (از جویبار)، جواد فتح آبادی (از مشهد)، مهدی آسمی (از تبریز) و خانم‌ها: آزاده و آویشن امیدمهر (ویراستاران با حوصله و دقیق)، لیلی میرزایی (حروف‌چین توانا و دقیق)، مینا هُرمزی (طراح جلد)، سپیده شهبازی فرد (تصویرگر).

و آخر این‌که:

از دختر نازنینمان «طراوت»، نهایت قدردانی را داریم که بهترین مشاور ما در تألیف این کتاب بود.

از همه‌ی همکاران، دانش‌آموزان و اولیای گرامی تقاضا داریم که اشتباهات کتاب را برای ما، ارسال دارند تا در چاپ‌های آینده، این اثر پُربارتر گردد.

editor@mobtakeran.com

پاینده باشید!
حمید طالب‌تبار
افروز کلانتری

بخش اول:



معنی لغت‌ها، شعرها و جمله‌های دشوار به ترتیب درس‌ها





ستایش - «خدا»

شاعر: پروین دولت آبادی

قالب شعر: مثنوی

معنی واژه‌ها به ترتیب بیت‌ها

یک چند: لحظه‌ای، مدت کمی

نهان: پنهان، مخفی

نشان: علامت، نشانه

نیکی: خوبی

آخر: پایان، انجام

دمی: لحظه‌ای، هنگامی

هرگز: هیچ وقت

صبحگاه: بامداد، هنگام صبح

آهسته: کند، آرام

معنی بیت‌ها

بیت ۱: به مادر گفتم: «آخر این خدا کیست؟ که هم در خانه‌ی ما هست و هم نیست

معنی: از مادر پرسیدم: به من بگو که این خدا کیست که هم در خانه‌ی ما وجود دارد و هم وجود ندارد.

بیت ۲: تو گفתי مهربان‌تر از خدا نیست دمی از بندگان خود جدا نیست

معنی: تو به من گفتی که کسی از خدا مهربان‌تر وجود ندارد و خداوند لحظه‌ای از بندگان خود، غافل و جدا نیست.

بیت ۳: چرا هرگز نمی‌آید به خوابم؟ چرا هرگز نمی‌گوید جوابم؟

معنی: به من بگو چرا خداوند هیچ وقت به خوابم نمی‌آید و او را در خواب نمی‌بینم؟ چرا خداوند هیچ وقت درخواست‌های مرا جواب و پاسخ نمی‌دهد؟

بیت ۴: نماز صبحگاهت را شنیدم تو را دیدم، خدایت را ندیدم»

معنی: وقتی که صبح نماز می‌خواندی، صدایت را شنیدم، تو را دیدم اما خدایت را که با او سخن می‌گفتم ندیدم.

بیت ۵: به من آهسته، مادر گفت: «فرزند! خدا را در دل خود جوی، یک چند

معنی: مادر، آهسته به من گفت: فرزندم! خداوند را در دل خودت، جست و جو کن نه در خانه و بیرون از آن.

بیت ۶: خدا در رنگ و بوی گل، نهان است بهار و باغ و گل، از او نشان است

معنی: خداوند در همه جا وجود دارد، خدا در بوی گل، پنهان است و در باغ و گل‌ها آشکار است.



بیت ۷: خدا در پاکی و نیکی است، فرزند! بود در روشنائی هـا، خداوند»

معنی: فرزندم! خداوند در پاکی و خوبی و روشنائی ها وجود دارد و همه جا، حاضر است.



پیام درس

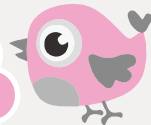
خدا؛ همان ویژگی های مثبت و خوب است که در لابه لای زندگی ما وجود دارد.
خدا، یعنی: خوبی، پاکی، روشنائی و محبت که هر روز و هر لحظه در وجود ما و در زندگی ما وجود دارد؛
اما باید تلاش کنیم و به دستش آوریم.

پروین دولت آبادی: از شاعران کودک و نوجوان است. او در سال ۱۳۰۳ در خانواده ی فرهنگی در اصفهان به دنیا آمد و پس از چند سال همراه خانواده اش به تهران آمد. پدرش رئیس شیرخوارگاه بود. او هم تصمیم گرفت به سرپرستی و تربیت کودکان پرورشگاه بپردازد. شعرهایی که برای



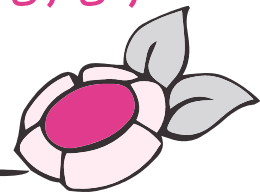
تاریخ ادبیات

کودکان پرورشگاه سرود، برای بسیاری از آنان جالب بود. او تلاش کرد تا شعر کودکان را از حالت پندگونه، خارج کند و اشعار وی برای بچه ها جنبه ی سرگرمی و تفریح نیز داشته باشد.



درس اول

آفریدگار زیبایی



نوع نثر: ساده و روان

معنی واژه‌ها به ترتیب سطرها

تاب نیاوردند: طاقت نیاوردند، تحمل نکردند	تصمیم: اراده، قصد
مزارع: جمع مزرعه، کشتزارها، زمین‌های کشاورزی	جهان‌افروز: روشن کننده‌ی جهان
سُراغ: پی چیزی رفتن	داوری: قضاوت کردن، شکایت کردن
ارغوانی: به رنگ ارغوان، بنفش	دل‌انگیز: دل‌فریب، مطلوب
جَلّا: درخشندگی و شفافیت	نخست: اول، ابتدا
مهاجر: کوچ کننده، مهاجرت کننده	نیلی: به رنگ نیل، کبود رنگ
سطح: قسمت هموار و خارجی اجسام	پراکند: پخش کرد، متفرّق ساخت، پرت و پلا کرد
قشر: پوست، جمع قشور	گوناگون: مختلف
برّاق: درخشان، درخشنده، برق‌دار	غوک: قورباغه
خودنمایی: خود را جلو دیگران، خوب نشان دادن	برکه: آبگیر، تالاب
چیره‌دست: ماهر، زبردست	بگذار: اجازه بده
شگفت‌انگیز: تعجب‌آور، حیرت‌آور	منظره: آن‌چه از دور به نظر می‌آید، چشم‌انداز
بگذارید: اجازه بدهید	انبوه: بسیار زیاد، فراوان
لذّت: خوشی	زینت: زیور، پیرایه
	گلگون: سرخ‌رنگ، به رنگ گل سرخ



معنی بعضی از جمله‌های مهم

☆ آن سه تن دیگر، دست از نقّاشی بردارند و بروند.

معنی: آن سه شخص دیگر، نقّاشی نکشند و از آن‌جا بروند.

☆ تابستان گرم، دست به کار شد.

معنی: تابستان گرم و سوزان، مشغول به کار شد و کارش را شروع کرد.

شاخه‌ها تاب نیاوردند.

معنی: شاخه‌ها تحمل و توانایی نداشتند که میوه‌ها را نگه دارند.

معنی: نقّاشی تابستان هم بسیار زیبا از کار درآمد.

معنی: نقّاشی تابستان هم خوب و درست نتیجه داد و زیبا شد.

نتوانست چشم از آن بردارد.

معنی: نتوانست به آن نگاه نکند و از نگاه کردن آن سیر شود.

سطح رودخانه‌ها را با قشر نازکی از یخ، برّاق کرد.

معنی: روی رودخانه‌ها را با پوست نازک یخ، درخشان کرد.

برگ درختان سبز در نظر هوشیار هر ورقش، دفتری است معرفت کردگار

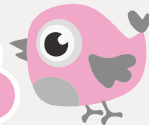
معنی: از نظر انسان خردمند، برگ‌های درختان به هنگام بهار، مانند کتابی هستند که بزرگی خداوند را به ما می‌شناسانند. (در این بیت، برگ درختان به کتاب (دفتر) تشبیه شده است.)

املاي واژه‌های مهم

صحبت - تصمیم - خورشید جهان‌افروز - هنرمند - دل‌انگیز - نُخست - هلو - گودال - نرگس و بنفشه -
حشرات گوناگون - غوک - برکه - بگذار - منظره‌ای زیباتر - بوته‌های انبوه تمشک - زینت - سیب گلگون
- تاب نیاوردند - خوشه‌های طلایی - مزارع - دریاچه‌ها - سراغ جنگل - بعضی - ارغوانی - سروها و
صنوبرها - قطره‌ها - باقی ماندند - جلا داده است - مهاجر - پهن - از نظر خورشید - سطح زمین - قشر
نازک - برّاق - نگاه پُر مهر - خودنمایی - چیره‌دست - شگفت‌انگیز - بگذارید - لذّت.

پیام درس

در این درس تمام چهار فصل زیبای طبیعت، تصویرسازی شد و از زیبایی‌های هر فصل گفت و گو به میان آمد. هدف نویسنده این است که ما به قدرت و عظمتِ خداوند پی ببریم. خداوندی که طبیعت را به وجود آورد و فصل‌های زیبا را خلق کرد تا جهان به زندگی‌اش ادامه بدهد و ما از آن‌ها بهره ببریم. پس همیشه باید قدردان عظمت و لطفِ خداوند باشیم.



بخوان و حفظ کن - خبر داغ

قالب شعر: چهارپاره

شاعر: شکوه قاسم‌نیا

معنی واژه‌ها به ترتیب بیت‌ها

تک تک: یکی یکی	شاپرک: نوعی پروانه‌ی بزرگ که معمولاً شب پرواز است.
سار: پرنده‌ای کوچک و کمی بزرگ‌تر از گنجشک	پهنه: میدان، سطح
ته: آخر، انتها	رَمه: گله
تپید: حرکت کرد، بی‌قرار شد، جنبید	عاقبت: سرانجام، آخر، پایان
بی‌حوصله: خسته بودن، میل انجام کاری را نداشتن	هوهو: صدای وزیدن باد، زوزه‌ی باد
خمیازه کشیدن: باز شدن خود به خودی دهان	هی: به طور پیوسته و پیاپی، مرتباً
بر اثر خستگی یا خواب آلودگی	

معنی بیت‌ها

خبری داشت کلاغ  گفت در گوش درخت  برگ‌ها تک تک ریخت  از سر و دوش درخت 
معنی: کلاغ خبر هیجان‌انگیزی را به درخت گفت و تمام برگ‌ها از شاخه‌های درخت بر زمین ریخت.

نکته

گوش درخت و سر و دوش درخت، جان‌بخشی دارند.

خبر داغ: خبری که هیجان‌انگیز است و توجه دیگران را به خود جلب می‌کند.

توضیح بیشتر

جان‌بخشی یا تشخیص: به نسبت دادن حالات و رفتار انسان به غیر انسان جان‌بخشی می‌گویند؛ مانند: ابرها می‌گریند  گریه کردن که رفتار انسان است به ابر که غیرانسان است، نسبت داده شد.
 کلاغ خبرش را به درخت گفت  خبر داشتن و حرف زدن که رفتار انسان است به کلاغ نسبت داده شد.

ستاره سار از شاخه پرید  بال زد تا تهِ باغ  گفت با سبزه و گل  هرچه را گفت کلاغ

معنی: سار از روی شاخه پرید و تا آخر باغ، پرواز کرد و خبر کلاغ را به سبزه و گل گفت.

ستاره دل هر غنچه تپید  رنگِ گلبرگ پرید  برگ، بی حوصله شد  سبزه، خمیازه کشید

معنی: غنچه‌ها بی‌قرار شدند و گلبرگ ترسید. برگ، بی‌حوصله شد و سبزه به خاطر خستگی و بی‌حالی، خمیازه می‌کشید.

ستاره شاپرک خواب نبود  پر زد از باغ و گذشت  هرچه را دید و شنید  بُرد تا پهنه‌ی دشت

معنی: شاپرک، بیدار بود و پرواز کرد و از باغ بیرون رفت. تمام چیزهایی را که دید و شنید تا وسط دشت بُرد و به همه گفت.

ستاره آهو از دشت گریخت  رَمه برگشت به ده  عاقبت باز رسید  خبر از دشت به ده

معنی: آهو از دشت فرار کرد و گوسفندان به ده برگشتند. سرانجام خبری را که کلاغ گفته بود به ده رسید.

ستاره باد، هوهو می‌کرد  ابر، هی می‌بارید  خبرِ داغ کلاغ  ده به ده می‌پیچید

معنی: باد با صدای بلند زوزه می‌کشید و ابر به شدت می‌بارید و خبر تازه و مهم کلاغ به همه‌ی مردم روستاها رسید و پاییز آغاز شد.



این شعر، توصیف بسیار زیبایی است از رسیدن فصل رنگارنگ پاییز.
در این شعر، کلاغ خبر رسیدن پاییز را به همه می‌دهد و این خبر، دهان به دهان به همه جا و همه کس می‌رسد و پاییز آغاز می‌شود.

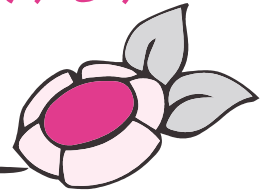
نکته

شاعر، در این شعر از شیوه‌ی جان‌بخشی (تشخیص) استفاده کرده است، یعنی ویژگی انسان‌ها را به غیر انسان، نسبت داده است، بنابراین، می‌بینیم که پرندگان با هم حرف می‌زنند، فریاد می‌کشند و ...



درس دوم

کوچ پرستوها



نوع نثر: ساده و روان

معنی واژه‌ها به ترتیب سطرها

معلوم: مشخص، آشکار	اوایل: جمعِ اوّل، آغازها، پیش‌ها، اوّل‌ها
تغییرات: دگرگونی‌ها	لطیف: نرم و نازک
قرقی: نوعی پرنده‌ی شکاری از دسته‌ی بازها	دل‌نشین: خوشایند، مؤثر
کوچ: مهاجرت، از جایی به جایی رفتن	دشت، جامه‌ی سبز پوشید: کنایه از دشت، کاملاً سبز شد. (جامه: لباس)
ناگهان: دور از انتظار و بی‌خبر	دور و دراز: زمان بسیار طولانی از گذشته
می‌ربایند: (ربودن): دزدیدن، جذب کردن	نخستین: اوّلین
پی‌درپی: پی‌پای و پشت سر هم	از نو: دوباره
شگفتی: تعجب، حیرت	به سر بُرده‌اند: گذرانده‌اند، وعده به جا آورده‌اند.
سپری شدن: به پایان رسیدن، به اتمام رسیدن، کامل شدن	راه و رسم: روش، شیوه
پیمودن: طی کردن راه	آسودگی: آرام و راحت بودن
پیشین: گذشته، قبلی، جمع: پیشینیان	کمیاب: نایاب، نادر
راه‌یابی: راه یافتن	به ناچار: از روی اجبار
معتدل‌تر: جایی که آب و هوای نه سرد و نه گرمی دارد. نهاده است: قرار داده است.	جنب و جوش: فعالیت بسیار، هیجان

املاي واژه‌های مهم

اوایل - لطیف - جامه‌ی سبز - دور و دراز - نخستین - آسیب - عهده - تخم می‌گذارند - پس از سه هفته - راه و رسم - آسودگی - آغاز پاییز - ناچار - معتدل‌تر - کوچ - جمع - گفت و گوی مهمّی - مشغول - جنب و جوش - معلوم - تغییرات هوا - عقاب - قرقی - ناگهان - شگفتی - پیمودن - طولانی - اشتباه - پرستوها - نهاده است.

پیام درس

این درس، بهار را وصف می‌کند. در این فصل، انسان‌ها و همه‌ی موجودات، زندگی را با شوق و علاقه، آغاز می‌کنند. پرستوها و دیگر پرندگان به جای گرم‌تر، مهاجرت می‌کنند و بعد از به سر بُردن بهار و تابستان، با رسیدن فصلِ سرد، آماده‌ی کوچ می‌شوند. پرستوها بدون این‌که در مسیر راه، اشتباه کنند به لانه‌ی قبلی خود، باز می‌گردند. خداوند بزرگ، این قدرت را به پرستوها داده تا مسیر کوچ را بدون اشتباه، طی کنند و به لانه‌ی قبلی خود باز گردند.

بخوان و بیندیش

در جست و جو

نویسنده: کلر ژوبرت (سمیه جلالی)

نوع نثر: ساده و روان

معنی واژه‌ها به ترتیب سطرها

آهی: ناله‌ای از سر افسوس و حسرت

وای: کلمه‌ای که برای تعجب و شگفتی به کار می‌رود

طفلی: کودک خرد

فرصت: وقت، زمان

سنباب: حیوانی از جوندگان که دُم نسبتاً درازی دارد. اعتراض کرد: ایراد گرفت، خُرده گرفت

اصلاً: هرگز

غصه: غم، اندوه

سپس: بعد، پس

لابد: بدون شک، حتماً، قطعاً

التماس‌کنان: در حال خواهش کردن، التماس کردن

البته: به درستی، قطعاً

نگران: دلوایس، مضطرب، اندیشناک

شگفت زده: متعجب

محبت: مهر، دوستی، مهربانی

جست و خیزگنان: در حال پریدن

معنی بعضی از جمله‌های مهم

شاخه به شاخه پرید تا از درختش پایین آمد.

معنی: با تلاش بسیار از شاخه عبور می‌کرد تا این‌که به پایین درخت رسید.

خدا با چشم، دیدنی نیست ولی جهان پُر از نشانه‌های خداست.

معنی: اگرچه نمی‌توان با چشم خدا را دید، اما آفریده‌ها و پدیده‌های جهان، بیانگر عظمت و بزرگی خداوند است.



املاي واژه‌های مهم

غمگين - آهي - طفلکی - سنجاب - آن‌موقع - لا بُد - غُصّه‌خوردن - حتماً - هرطور شده - ناگهان - آهاي - آن‌قدر - موجود عالم - شگفت زده - جَست و خيز کُنان - تعجّب - فرصت - اعتراض کرد - اصلاً - توجّه - قهوه‌ای - پناه - محال - سپس - التماس کُنان - ضعيف - نعمت - منتظر - نشانه‌ی محبّت - آهسته.



نویسنده در این درس با یک داستان زیبا و ساده، نشان داده که خدا در همه جا وجود دارد اما با چشم نمی‌توان او را دید. بچه‌های عزیز! خدا همان کسی است که تمام این جهان و موجودات را به وجود آورده. کوه، دریا، جنگل و ... همه از آفریده‌های خداوند است. خوبی‌ها، نیکی‌ها، محبّت‌ها، پاکی‌ها همه از نشانه‌های خداوند است. خدا در دل‌های ما هم هست، مهربان و دوست‌داشتنی است.

کلر ژوبرت: نویسنده‌ای فرانسوی است که در سال ۱۹۶۱ در پاریس به دنیا آمد و در ۱۹ سالگی، مسلمان شد. تاکنون هشت جلد از کتاب‌های او به چاپ رسیده است. از آثار او می‌توان «خدا حافظ راکون پیر»، «دعای موش کوچولو»، «گره‌ی کوچی ما» «کلوچه‌های خدا»، «قصه‌ی مارمولک سبز کوچولو»، «در جست و جوی خدا» و «امین‌ترین دوست» را نام برد. شخصیت بیش‌تر



داستان‌های او حیوانات هستند. آخرین داستانی که او به زبان فرانسه منتشر کرده، درباره‌ی پسر بچه‌ی ناشنوایی است که از داشتن سمّک، شرم‌نده و غصّه‌دار بود.

حکایت

قوی‌ترین حیوان جنگل

نوع نثر: ساده و روان

معنی واژه‌ها به ترتیب سطرها

اوقات: جمع وقت، ساعات، روزگار
چرا اوقات تلخی می‌کنی؟: چرا عصبانی و ناراحت
می‌شوی؟

قوی‌پیکر: تناور، قوی جُثه
خرطوم: بینی بزرگ فیل
برخاست: ایستاد، بیدار شد
سؤال: پرسش

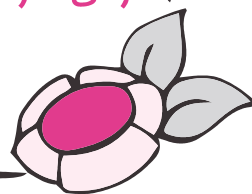


این حکایت به همه‌ی ما درس می‌دهد که قدرتمندتر از ما هم وجود دارند پس باید نسبت به بقیه فروتن باشیم و نباید به دیگران بی‌توجهی و ستم بکنیم. به قول معروف «دست بالای دست، بسیار است».



درس سوم

راز نشانه‌ها



نوع نثر: ساده و روان

معنی واژه‌ها به ترتیب سطرها

آسیاب: دستگاهی برای خرد کردن و آرد کردن گندم،	حاکم: والی، داور، قاضی (در این درس، همان قاضی است)
جو و دانه‌های دیگر	کمی اندیشیدم: کمی فکر کردم.
قهوه‌خانه: جایی که قهوه و چای دَم کنند و بنوشند	ردّ پا: اثر پا
می‌لنگید: لنگان لنگان راه می‌رفت.	گود: عمیق، ژرف
بار گندم: کیسه‌های گندم که بر پشت الاغ بود.	حدس زدم: گمان کردم، پنداشتم، فکر کردم
نشانی: علامت‌ها	کور: نابینا
خشمگین: عصبانی	معذرت خواست: عذر خواست، پوزش طلبید

املاي واژه‌های مهم

الاغ - آسیاب - قهوه‌خانه - خشمگین - حاکم - چه‌طور - ردّ پا - گود - علف‌ها - خورده شده بود -
طرف - به همین دلیل - حدس زدم - هوش و فهم - معذرت خواست.



در این درس، نویسنده به هوش و دانایی انسان‌ها توجه دارد و می‌گوید باید از هوش و خردمان استفاده کنیم تا در زندگی در آسایش به سر ببریم. هوش سبب آسایش، راحتی و نجات انسان‌هاست.



بخوان و حفظ کن - «روباه و زاغ»

شاعر: حبیب یغمایی

قالب شعر: مثنوی

معنی واژه‌ها به ترتیب بیت‌ها

خوش خوان: خوش آواز	زاغک: زاغچه، زاغ کوچک (زاغ: کلاغ سیاه)
قارقار: صدای کلاغ به هنگام آواز خواندن	قالب: واحدی برای قطعات بریده‌ی معین؛ قالب پنیر
طعمه: خوردنی، خوراک	پرفریب: سخت مکار، سخت حيله‌گر
روبهک: بچه روباه، روباه کوچک	حیل‌ساز: حيله‌باز، مکار، فریبنده
جست: جهش، عمل جهیدن از ارتفاع و بلندی چیزی	آواز: صدا، بانگ، آهنگ، نغمه
مانند دیوار	به‌به: کلمه‌ای برای تحسین و تمجید
	خوش آواز: خوش صدا، خوش نغمه

معنی بیت‌ها

بیت ۱: زاغکی قالب‌پنیری دید به دهان برگرفت و زود پرید

معنی: زاغ کوچکی، قالب‌پنیری را دید، آن را به منقار گرفت و زود پرواز کرد.

بیت ۲: بر درختی نشست در راهی که از آن می‌گذشت روباهی

معنی: زاغ کوچک در کنار راهی، روی درختی نشست که از آن راه، روباهی می‌گذشت.

بیت ۳: روبه‌پرفریب و حیل‌ساز رفت پای درخت و کرد آواز

معنی: روباه مکار و فریبنده به درخت نزدیک شد و شروع به خواندن و تعریف کردن از زاغ کرد.

بیت ۴: گفت به به! چه قدر زیبایی چه سری، چه دمی، عجب پایی

معنی: روباه گفت: به‌به! چه قدر زیبا هستی! چه سر و دم و پای زیبایی داری!

بیت ۵: پر و بالت، سیاه رنگ و قشنگ نیست بالاتر از سیاهی رنگ

معنی: پر و بال تو سیاه رنگ و زیبا است. رنگی بهتر از سیاهی نیست. (بسیار زیبا هستی.)

بیت ۶: گر خوش آواز بودی و خوش‌خوان نبودی بهتر از تو در مرغان

معنی: اگر خوش‌آواز باشی و خوش‌صدا، بهتر از تو پرنده‌ای وجود ندارد و تو از همه برتری.



بیت ۷: زاغ می‌خواست قارقار کند تا که آوازش، آشکار کند

معنی: زاغ تصمیم گرفت قارقار کند و آواز بخواند تا خوبی آوازش را برای روباه آشکار کند.

بیت ۸: طعمه افتاد چون دهان بگشود روبه‌ک جَست و طعمه را برود

معنی: همین که دهانش را باز کرد پنیر از دهانش افتاد و روباه از جا پرید و آن طعمه (پنیر) را برداشت و فرار کرد.

املاي واژه‌های مهم

زاغکی - قالب پنیر - روباهی - روبه - حیلَت ساز - به به - چه قدر - خوش آواز - خوش خوان - مرغان -
می‌خواست - قارقار - طعمه - روبه‌ک - جَست



انسان‌ها باید از هوش و آگاهی برخوردار باشند تا گرفتار فریب و حیل‌های دیگران نشوند؛ بنابراین نباید زود باور باشیم و در برابر تعریف‌های ظاهری دیگران، فریب نخوریم.

حبیب یغمایی: شاعر و نویسنده‌ی توانای ایرانی است که آثار بسیاری دارد و معروف‌ترین

شعر او «روبه و زاغ» است. او در سال ۱۲۸۰ هجری شمسی در روستای خور

به دنیا آمد و در سن ۸۶ سالگی از دنیا رفت.

